

فرهنگ اصطلاحات حافظ

در مفهوم گوشه و کنار است ۱۱۱/۲ -
 ۲۸۵/۵-۲۸۲/۱۲-۳۱۷/۹-۲۹۷/۱۲
طرفه - باضم اول . رطوبتی که از
 چشم جاری شود و زخم رسیدگی چشم و
 مال نو اما در اینجا در مفهوم عجیب و
 نادر و شکفت استعمال شده است ۱۹/۵
 ۲۹/۴-۷۵/۱۱-۹۷/۷-۱۰۶/۶ -
 ۳۰۹/۱۰-۲۸۵/۵
طَرَه - قسمت بالای پیشانی است
 که بسر وصل میشود و عبری آن را
 ناصیه گویند، و بعدها بآن مقدار مویی که
 از ناصیه به پیشانی میریزد طره گفتند یعنی
 ذکر محل اراده حال. همچنین زلف و
 گیسوی تاب داده ۱۲/۶ - ۱۳/۱۰ -
 ۲۹/۱۰-۳۲/۹-۳۸/۱۲-۴۶/۸ -
 ۷۰/۱۰-۷۷/۵-۸۲/۱-۹۸/۶-۱۲۵/۸
 ۱۲۹/۵-۱۲۹/۸-۱۲۹/۱۲-۱۲۹/۱۰
 ۱۴۳/۱-۱۷۱/۴-۱۹۰/۸-۱۹۹/۲
 ۲۱۸/۷-۲۱۵/۵-۲۸۴/۳-۳۰۸/۱
 ۳۰۸/۱۰-۳۴۱/۱۲-۳۴۶/۱-۳۲۲/۴
 ۳۵۴/۱-۱/فکج
طریق - راه و رسم و طرز و آیین.
 ۱۸/۲-۳۱/۸-۷۳/۱۳-۴۶/۱۰ -
 ۴۸/۸-۵۵/۱-۹۲/۹-۹۹/۱۳-۸۶/۸

طراز - جامه پادشاهی و فاخر که
 برای زینت پوشند. زیب و زینت کناره و
 حاشیه. آرایش ۲۳۵/۹ : ۶/فکج
طرب - شادمانی- حرکت- شوق و
 میل بسوی چیزی. جنبش. در اصطلاح انس
 باحق است ۱۶/۳ - ۴۰/۹ - ۷۰/۷
 ۱۱۸/۲-۹۹/۳-۹۶/۳-۸۱/۴-۸۰-۲۳
 ۱۳۸/۷-۱۳۸/۱۳-۱۲۸/۴-۱۱۸/۱۰
 ۲۰۱/۱-۲۰۷/۶-۲۵۹/۱۲-۲۶۰/۹
 ۳۵۹/۱۲-۳۳۵/۲-۳۱۸/۱-۲۷۵/۳
 ۳۸۴/۳. طربناك : ۱۷۹/۲ طربخانه:
 ۹۱/۱۳-۱۹۸/۱۱. طرب انگیز: ۲۶۷/۷
 ۳۷۶/۲. طرب سرا: ۱۱۳/۱۱-۹/فکه.
 طرب نامه: ۱۰۴/۳-۲۳۱/۴
طرح - انداختن - نهاد - وضع-
 شکل و ترکیب. طریقه و رسم ۲۵۸/۷
طرزی - ۳۵۵/۱۳
طرف - بافتیج اول و سکون دوم.
 سود و فایده و طرف بستن بمعنی فایده
 یافتن. در عبری بمعنای چشم و نگاه و برهم
 نهاد یکی از دو پلک است ولی در اینجا
 بمعنی سود بکار رفته است ۱۰/۴ -
 ۱۹/۱۰-۸۱/۹-۲۰۱/۲-۲۱۴/۸ -
 ۲۹۷/۵-۲۹۷/۷-۳۷۶/۹ در ابیات زیر

و هلال را بدان تشبیه میکرده‌اند «رسد و بطغرائی» یعنی بصحه و امضا برسد و توقیع و موشح گردد ولی منشور بمعنی فرمان پادشاهی مهر ناکرده است اما طغرا لفظ فارسی است و عربی آن توقیع میباشد

۳۵۰/۶ - ۲۸۵/۳ - ۳۵۰/۱ طغرا نویس؛

۲۸۲/۴ طغرا کش؛ ۷۴/۵ - ۳۶۴/۳

طفیل - (tofayl) کسی که ناخوانده بمهمانی آید و طفیل المرائس؛ نام شخصی بوده که در طعام ولیمه ناخوانده می‌آمد

۲۴۳/۹ - ۳۱۵/۷ - ۱۹۵/۱۱ - ۲۲۹/۳ - ۱۵۲/۱۳

طلاق - رها شدن زن از قید نکاح.

جدا شدن زن از مرد آزاد کردن. طلاق رجعی، طلاقی که در مدت عده رجوع شوهر به زن بدون نکاح جایز است. طلاق بائن؛ که رجوع شوهر بزنی بدون عقد نکاح جایز نیست. طلاق خلعی؛ طلاق گرفتن زن با دادن مال یا بخشیدن کابین خود که زن میگوید مهریه‌ام حلال و چنانم آزاد - طلاق عبارات؛ آن طوری است که زن قسمتی از مهریه خود را به بخشد و طلاق بگیرد و مرد نیز آنچه قبلاً دارد صرف نظر کند. دیگر سه طلاقه است ۴۴/۱ - ۳۲۳/۵

طلب - یعنی خواستن - درخواست.

در اصطلاح طلب جستجو کردن از مراد و مطلوب است و مطلوب در وجود طالب هست و میخواهد تمام مطلوب را بیابد و تمام مطلوب را باید در وجود خود بطلبد و اگر از خارج بخواهد نیابد و بالجمله طلب عبارت از معرفت خداست بدلیل و وجدان. عطار آنرا نخستین مرحله یا

۱۵۰/۴ - ۱۴۴/۳ - ۱۰۱/۴ - ۹۴/۱۱

۱۶۱/۱۲ - ۱۶۳/۱۱ - ۱۸۵/۶

۳۰۲/۴ - ۳۱۶/۶ - ۲۶۷/۹ - ۲۰۲/۱۲

۳۳۶/۱۰ - ۳۳۱/۸ - ۳۱۹/۴ - ۳۱۷/۷

۸/۴

طریقت - راه و رسم - مسلک - از

طریقت سیر خاص مراد است که مخصوص سالکان راه حق است مانند توجه بمبدء و دوام ذکر و ترک دنیا و شریعت از نظر عارفان احکام ظاهر است بمنزله پوست میباشد و طریقت لب آن است بعد از آنکه از مقام فنا بمرتبه بقاء رسید گویند از راه طریقت بحقیقت رسیده است.

شریعت راه نفس است و طریقت تزکیه باطن و راه دل و حقیقت راه روح میباشد

۱۴۴/۲ - ۲۷/۶ - ۵۰/۲ - ۸/۱۰ - ۸/۱۲

۵۸/۲ - ۱۴۱/۸ - ۹۷/۹ - ۹۴/۱۱

۱۸۷/۵ - ۱۷۹/۸ - ۱۷۶/۴ - ۱۷۵/۷

۳۰۲/۴ - ۲۸۸/۲ - ۲۷۱/۲ - ۲۰۳/۹

۳۱۸/۶ و در بیت زیر بصورت طریقه

بکار رفته است ۵۱/۴ - ۳۷۳/۳

طعن - شتم و عیبجویی - سرزنش -

ملامت ۱۰/۹ - ۲۴۳/۲ - ۲/۴

طعنه - سرزنش - ملامت ۴/۷۳

۲۳۷/۴ - ۱۷۷/۲ - ۱۲۲/۸

طغرا - باضم اول و سکون دوم.

امضا و صحه پادشاهی که بر سر فرمانها نویسد طغرا عبارت بوده از چند خط قوسی تو در توی متوازی شامل نام و القاب سلطان وقت که در بالای فرامین بطرز مخصوصی رسم کرده‌اند چون طغرا بشکل کمان بوده شعرا غالباً ابرو و کمان

۳/قیز- ۷/قیز

طلوع - برآمدن ستاره و آفتاب
وماه. ظهور ناگهانی هر چیز اطلاع و قوف
و آگاهی ۲۸۳/۸-۲۷۳/۴-۳۸/۱۱
طمع - امید آرزو. آرزو، کام و

توقع. رغبت- میل- حرص ۶/۱۱- ۲۱/۵
۳۰/۹- ۵۶/۱۰- ۷۶/۱۳- ۸۹/۵-
۱۵۱/۱۱- ۱۶۲/۱۱- ۱۱۷/۹- ۹۷/۱۲
۲۱۹/۱۳- ۲۱۸/۱- ۱۵۸/۹- ۱۵۶/۲
۲۷۲/۵- ۲۷۰/۷- ۲۳۸/۶- ۳۳۳/۱۰
۲۷۴/۴- ۲۸۳/۶- ۳۱۴/۶- ۳۱۴/۷.
خام طمع: ۱۱/۱۶۹- ۳۴۷/۸- طمع خام،
۳۰/۹- ۷۵/۱۲. طمع خام یعنی تمنای
امری که ممکن نباشد و توقع بیجا

طنبی - سودی گوید بعضی یاء آنرا
نسبت میدادند و میگویند طنبی چیزی است
که باطناب و دوتیر چادر و یا خانه محقر
میسازند ولی عده‌یی هم یاء آنرا اصلی
گرفته گویند خانه ایست جلوباز که در
باغها و باغچه‌ها هنگام تابستان برای
استفاده از سایه آن میسازند. معمولاً طاق
طولانی و تابستانی را طنبی گویند در
اینصورت یاء آن حتماً اصلی است ۴۵/۶
طنز - ناز- طعنه، سخریه، مسخره

و تهمت ۱۲/۲۱۲

طواف - گشتن بدور چیزی- گردش
بدور مقابر متبرکه ۴۹/۶- ۱۱۱/۲
۱۷۷/۳

طوبی - مؤنث اطیب یعنی طیب‌تر
و بهتر و پاک‌تر و نیز بمعنی بهشت و پاک
و خوب و نیکو. و نام درخت در بهشت است
و جمع آن طیبه ۴۰/۳- ۴۰/۷- ۷۴/۶

شهر عشق میخواند ۱۰۶/۱- ۱۱۴/۹
۱۶۱/۷- ۱۶۱/۱۲- ۱۵۷/۱۲- ۱۴۱/۷
۲۲۲/۳- ۲۲۴/۷- ۲۱۴/۱- ۱۹۵/۲
۲۶۲/۳- ۲۵۲/۶- ۲۴۸/۸- ۲۳۶/۸
۲۶۵/۱۱. طلبت: ۹۲/۱۱- ۴۹/۷-
۴۹/۹. طلب: بخواه ۶۷/۲- ۱۳۸/۴
۲۶۰/۱۰- ۱۱۷/۱۰- ۱۹۹/۳- ۱۴۸/۵
۳۰۱/۳- ۳۱۷/۱- ۳۵۰/۸- ۳۶۹/۳
۲۶۷/۹. طلبی: ۱۹۲/۱- ۲۱۸/۳
۳۷۴/۷- ۳۴۴/۱۰- ۳۲۱/۶- ۳۱۴/۳
در ابیات از مصدر جملی « طلبیدن »
مشتق شده است ۸۱/۹- ۴۸/۹- ۸۸/۶
۱۵۹/۱۰- ۱۵۰/۱- ۱۴۹/۶- ۱۵۴/۸
۱۸۲/۱۳- ۱۸۲/۶- ۱۷۱/۴- ۱۷۰/۱
۲۰۶/۱۱- ۲۴۶/۱۱. و در صفحه ۲۵۴
از اول تا نهم بکار رفته است ۲۷۳/۱
۲۷۹/۱- ۲۷۳/۴- ۳۱۳/۹- ۳۱۳/۱
۳۲۲/۴- ۳۴۹/۲. و در ابیات زیر از
مصدر مرکب « طلب کردن » مشتق است
۹۰/۱۱- ۹۶/۵- ۹۶/۶- ۱۰۶/۳-
۱۳۴/۹- ۱۶۵/۱۰- ۱۶۸/۲- ۲۱۹/۲
۲۶۰/۱۱- ۲۷۵/۴- ۲۸۳/۱۳- ۳۴۰/۱۰
۳۸۱/۱۰- ۲/فکج

طلسمات - جمع طلسم. صورتهای
موهوم، قطعه‌یی فلز یا تکه کاغذی که
جادوگران یا فال‌بینان در روی آن خط
و یا جدولی برای حوائج معین رسم کنند
نیز اشکال هولناک بر سر خزینه‌ها تعبیه
نمایند و اصل آن یونانی است ۳۵/۴
طلعت - دیدار - روی و رؤیت
۳۵/۱۰- ۴۰/۱- ۳۸/۱۰- ۸۵/۶-
۸۶/۱۲- ۱۷۶/۱۰- ۳۶۹/۵- ۷/قیر

۲۳/۲-۲۴۱/۳-۲۳۶/۷

طهارت - پاکی - ازاله پلیدی و

در اصطلاح بردو گونه است یکی طهارت ظاهر و دیگری طهارت دل و چنانکه بی طهارت بدن نماز درست نیاید بی طهارت دل معرفت انجام نگیرد پس طهارت بدن را آب مطلق باید و طهارت دل را توحید محض و باید طهارت باطن موافق طهارت ظاهر بود پس طهارت باطن عبارتست از تزکیه نفس از اخلاق زشت و تصفیه دل از لوث محبت دنیا. ۹۰/۶ - ۹۰/۸ -

۹۰/۱۱-۹۰/۲-۱۴۱/۱۲-۱۱۶/۱۱

۱۷۶/۵-۲۹۳/۷

طی (tayy) پیمایش- قطع و نورد

۲۹۸/۷-۲۹۹/۷-۳۰۰/۲ در آیات زیر نام قبیله‌یی است از نازیان که حاتم طائی منسوب بدانست ۳۸۴/۶ - ۲۹۸/۷ -

۲۹۹/۷

طیب (tib) بوی خوش و عطر

۳۱/۳-۳۵۳/۳

طیره - با فتح اول و سوم بمعنی

خفت و سیگی است و با کسر اول و سوم بمعنی آزدگی- خجالت و شرمندگی و شرمنده و خجل است ۳۶۴/۴-۷۴/۶ در غزل مکرر

طیلسان- مأخوذ از تالشان فارسی-

چادر و جامه‌یی که بردوش اندازند. جامه بلند ج: طیالس و طیالسته ۱۸۶/۷

طینت - طبیعت- سرشت - ذات و

خوی ۷۵/۱۰-۱۳۵/۱۰

۲۱۶/۴-۲۴۲/۱۰-۳۱۹/۲-۳۶۴/۴

۱۲۲/۶

طور (tur) کوه و پیرامون خانه ،

حد و نهایت چیزی در اینجا کوه سینا که آنرا جبل طور و طورسینا و طور موسی نیز گویند. طور زیبا: کوهی است نزدیک بیت المقدس. و طور هارون: کوهی است در جانب قبله مسجد اقصی و در آن قبر هارون است ۱۵/۷-۲۳۷/۸-۳۱۸/۹ در آیات ۲۲/۴-۲۵۰/۳ طور (tavr) بمعنی وضع و هیئت و حالت و طرز و چگونگی است .

طوطی - مرغی زیبا که بیضا و پروان

نیز گویند و سهولت تقلید آواز انسان

مینماید ۴۴/۲-۹۱/۱۰-۱۰۹/۴ -

۱۶۵/۱۱-۱۶۷/۱۳-۱۸۱/۱۱ -

۲۶۲/۷-۲۸۳/۱۱-طوطیان: ۱۵۲/۱۲

طوع- بطور فرمانبرداری و اطاعت

- میل واراده و اختیار ۹۹/۷

طوف (tavf) - دور زدن باطراف

خانه خدا جهت زیارت و گردش بدور

چیزی ۲۲/۱۱-۲۳۵/۷

طوفان - باد باران- باران سخت

و شدید ۱۵/۵-۵۷/۶-۱۰۳/۶-۱۳۴/۳

۱۶۹/۱۰-۲۰۹/۷-۳۰۳/۳-۳۰۴/۴

طوفان نوح: طوفانی که آب همه زمین را

فراگرفت و بجز نوح و کسان وی تمام

مردم را غرق کرد و در ۳۶۲۲ سال قبل

از هجرت واقع شد ۸/۵-۲۱/۲-۱۷۳/۴

۱۵۸/۱۱

طوق - گردن بند - گریبان- حلقه